

سازمانده کمونیست

نشریه کمیته تشکیلات کشور

۱۲ خرداد ۱۳۸۵

۲۲

جمعه ها منتشر میشود

ضرورت چپه ای به وسعت تمام چامه در دفاع از وحدت انسانیت و آزادی

اعظم کم گویان

azam_kamguian@yahoo.com

حکمیت ها و فعالیت مشترک و حزبی، فعالیت اجتماعی و توده ای

بهرام مدرسی- اسد گلچینی

حرکت و یا طرح فلان شعار در جایی بلکه از قدرتشان در سازمان دادن مردم و به میدان کشاندنش حول شعارهای خودشان میگیرد. دخالتگری به این معنا برای ما مهم است. از این طریق به خومان و به جامعه و مردم نشان میدهم که نیروی جابجایی جامعه از جایی به جای دیگری هستیم. حزبی که جنبشش در سرتاسر کشور سازمانده اعتراض مردم به هر جای رژیم اسلامی و یا علیه هر آینده سیاهی است که میخواهند به جامعه تحمیل کنند، فقط میتواند از طریق این دخالتگری قدرتش را نشان دهد و واقعا کار جدی سازمان دهد. طبیعی است که این بحث ما نافی شرکت ما در

فعالیت بخشهای وسیعی از فعالین و کادرهای حزب دخالتگری بسیار پرشور و موفق را نشان میدهد. ما بارها در این باره صحبت کرده ایم. فعالیتی که مسایل مبارزاتی محل خود را مسئله خود میداند و تلاش میکند که اگر قرار است در آن محل به چیزی اعتراض شود و یا حرکتی سازمان یابد، بجای اینکه وظیفه خود را شرکت در کاری که دیگران سازمان داده اند بگذارد، خود مستقیما پای سازمان دادن آن اعتراض و یا حرکت میرود. این بخصوص برای حزب کمونیستی چون ما حیاتی است. واقعیت این است که نیروهای سیاسی قدرتشان و حضورشان را نه از سر شرکتشان در فلان

در قسمت آخر این سلسله مباحث باید به آنچه که از نظر ما فعالیت اجتماعی و حزبی نام گرفته است پرداخت، نوع فعالیتی که امروز بخصوص از طرف بخش وسیعی از رفقای حزبی پراتیک میشود. باید به این مبحث بعنوان نمونه ای از آنچه که فعالیت درست را تصویر میکند پرداخت. طبعاً آنچه که این جا کوتاه به آن پرداخته میشود کل آن تصویری که هم ناظر بر فعالیت کادرهای حزب در سرتاسر کشور است را نه نشان میدهد و نه اینکه میتواند کل مباحث سبک کاری ما را شامل شود. تلاش ما دادن سر نخ هایی از یک فعالیت حکمیتستی است.

- دخالتگری چیست

گرفته است. در سایه تهدید و خطر حمله نظامی آمریکا جمهوری اسلامی به تعرض و تحمیلات به دانشجویان شدت بیشتری داده است. علاوه براین، بالا گرفتن فضای قومگرایی به پیچیدگی این اوضاع برای فعالین کمونیست در واقع دو جبهه مبارزه را باز کرده است. از یکطرف بعنوان بخش پیشرو جنبش سرنگونی مبارزه همیشگی با رژیم اسلامی، برای مقابله با تعرضاتش و برای تحمیل خواسته های آزادیخواهانه و انسانی و غیر قومی خود به رژیم و از طرف دیگر مبارزه با فضای قوم تراشی و قوم پرستی که ص ۳

دانشگاه صنعتی، فشار بر نشریات دانشجویی و کنترل و بعضا لغو امتیاز آنها، تهدید به تحمیل مقررات شدیدتر آپارتاید جنسی، احضار مسنولین نشریات دانشجویی به کمیته های انضباطی و گاه اطلاعات رژیم، لغو مراسمهای فرهنگی آزاد و غیر رژیمی و تلاش برای برهم زدن آنها توسط اوباش حزب الهی (دانشگاه سهند تبریز) و اخراج و یا اخراج موقت دانشجویان و محروم کردن آنها از چند ترم نمونه هائی است که در این مدت رژیم انجام داده است. اعتراضات دانشجویی نوره اخیر در مقابله با این تعرض و تحمیلات جمهوری اسلامی و عوامل آن صورت

سخنرانی و اظهارات پرشور بر خواستههایشان پافشاری می کنند. در دانشگاه حقوق جمع شدند و در اعتراض به وقایع اخیر کوی دانشگاه و کشته شدن تن در تبریز تجمع برگزار نمودند. این تجمع منجر به تعطیلی تمامی کلاسهای دانشگاه شد. اعتراضات دانشجویی دامنه دار شده اند. در ماههای اخیر رژیم اسلامی تلاش سازمان یافته ای را برای کنترل و محدود کردن دامنه فعالیت دانشجویان شروع کرده است. دادن احکام سنگین به فعالین دانشجویی، نظامی کردن فضای دانشگاهها با برپایی موزه دفاع مقدس و بخاکسپاری شهدای خود در

موجی از اعتراضات دانشجویی در دانشگاههای نقاط مختلف کشور بخصوص در دانشگاههای تهران به راه افتاده است. تازه ترین آن اعتراضات چند هزار نفری دانشجویان دانشگاه تهران در محوطه دانشگاه و در خوابگاه دانشگاه تهران در اعتراض به کشتار در تبریز، اخراج دانشجویان و استادان از دانشگاه و پلیسی شدن فضای دانشگاه است. نیروهای انصار و نیروی انتظامی به کوی دانشجویان ریخته و آنها را بطور وحشیانه ای مورد ضرب و شتم قرار داده اند. در پی این وقایع دانشجویان دانشگاه تهران هر روزه در مقابل دانشکده های مختلف تجمع اعتراضی برپا کرده و با

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتراضاتی که دیگران سازمان می‌دهند نیست و طبیعی‌تر از آن هم این است که ما طبعاً سعی میکنیم همه جا شعارهای خودمان را طرح و عمومی کنیم، این اما ایدای این است که ما خود حرکتی و اتحادی را سازمان دهیم نمیگیرد.

- *محمد گننده است*

تنها نیروی ما اتحاد مردم و همراهی آن‌ها با ما است. این‌جا متحد کننده بودن به معنی اخص آن برای ما مطرح است و خوشبختانه به بهانه‌های مختلفی این کالیبر و این قابلیت را در کادرهای حزب میتوان دید که هر جا که سروکله شان پیدا میشود، بوی اتحاد و تشکل و دست در دست هم گذاشتن مردم به مشام میرسد.

متحد کردن در درجه اول تا آنجا که به رفقای ما مربوط میشود طبعاً سطوح مختلفی دارد که در قسمت‌های قبلی این سلسله نوشته به جنبه‌هایی از آن پرداخته ایم.

مردم داریوند، صف بندی ایدئولوژیکی نکردن، هر مسئله اجتماعی را مسئله خود دانستن، جواب درست به مشکلات مردم دادن، راه حل‌های عملی جلوی پای مردم گذاشتن، جامعه و محل زندگی و کارش را "میدان" خود دانستن. چهره‌ای قابل اعتماد برای دیگران بودن، داشتن روابط وسیع اجتماعی، به زبان مردم صحبت کردن غم مردم را غم خودش بداند و پیروزی مردم را پیروزی خود، قانع میکند، بحث میکند و سر سوزنی سکتاریسم در کارش نیست.

- *ژردی شالایت نمیکنند*

فعالیت کادر حکمتیست اگر در ابتدای شروع کار میتواند فردی باشد، در ادامه خود اما نمیتواند فردی ادامه پیدا کند. وجود محافل و

جمع‌های وسیعی که خود را حکمتیست میدانند در سرتاسر کشور دال بر این خاصیت ما است این‌ها باید هزار برابر وسیعتر شود. زندگی فعالیتی اجتماعی است و طبیعی است که مبارزه برای بهبود آن هم میتواند فقط جمعی باشد. این جمع میتواند جمع کمونیست‌هایی باشد که با هم کم‌تیه کمونیستی را تشکیل داده ایم، میتواند تشکل توده‌ای باشد که برای امری مشخص سازمان داده ایم، میتواند هزار شکل و نوع دیگری بخود بگیرد. آنچه که این‌جا مهم است. جمع کردن، متحد کردن و فعالیت جمعی است. کسی که وضع مالیش اجازه میدهد میتواند همیشه پای اینترنت بنشیند و چت کند و بر اساس آن نشریات رنگارنگ بدهد، میتواند انجمن اینترنتی درست کند و هزار "کار" دیگر بکند. همه این "کارها" اما خارج از دنیای مجازی خودشان معنایی ندارد. کادر حکمتیست اما فعالیت جمعی باید به جامعه در جایی رنگ معینی بدهد. باید خواسته یا ناخواسته همه احساس کنند که فلان‌جا چه محله باشد و چه مدرسه و چه کارخانه، بوی دیگری میدهد. بوی انسانیت، اتحاد و همدلی. این بو مدتهاست که به مشام میرسد. باید آن را هزار برابر کرد.

- *سیاست پرورش محنتی روز داور*

سیاست امروز دیگر برای رفقای ما معنی روز دارد. سیاست هر قدر هم که خوب و درست باشد، هر قدر هم که "جواب همه را داده باشد" اگر واقعا به سیاست رو جایی، محلی، جمعی و مبارزه‌ای تبدیل نشود، بیفایده است. سیاست درست

بلشویک‌ها اگر انقلاب اکتبر را سازمان نمیداد، لنین اگر بعنوان سازمانده این انقلاب شناخته نمیشد، هم بلشویسم و هم لنین "تحریکی" و نویسنده‌ای خوب بیشتر نبودند. سیاست برای ما معنی روز را دارد به این معنی که باید جایی اعتراضی و حرکتی و پرچمی را حول آن دید. حزب ما، حزب سیاسی‌ای جنبش معین است. حزب کمونیستی جنبش‌هایی انسان و آزادی‌او است و این جنبش باید در همه جا شعارها و مطالبات این حزب را اعلام کند و این تنها زمانی اتفاق میافتد که خود ما در صف اول سازمان دادن مردم و معنی کردن قدم به قدم پیروزی و کسب دستاورد‌های بیشتر باشیم. این اتفاقی است که علی‌الحال از طرف رفقای ما پراتیک میشود. آنرا باید هزار برابر کرد.

- *چهره میثون*

کادرها ما، رفقای فعال حکمتیست تا همین امروز نشان داده اند که لایق‌ترین نمایندگان آزادی و انسانیت هستند. جامعه شخصیت‌های سیاسی را از سر شناختش ارزیابی میکند. کسی که حزب خوب میزند و انسان آگاهی است، اگر یک قدم آنطرف‌تر کسی او را نشناسد، کار بجایی نخواهد برد. چهره بودن، شخصیت بود و آنچه که هدف ما است، با هنرپیشگی سیاسی فرق دارد. برای کادر ما خوشبختانه مدتهاست که "شخصیت"‌هایی که دستشان به جامعه به هیچ کجا بند نیست و فقط ادای "رهبر" بودن را در میاورند، موضوعیتی ندارد. کادر حکمتیست تا همین‌جا نشان داده است که به اعتبار نفوذش و شناختی که مردم از او دارند، قابل اعتماد است و میتواند فراخوان جیزی بدهد، میتواند به مردم بگوید

امروز این کار را بکنیم و فردا آن کار را نکنیم. این اعتبار شخصی و این شناخت محل فعالیت از او مبنای عملی تاثیر گذاری او بر محل زندگی است. طبیعی است که در کنار چنین شخصیتی لشکری از رفقا و حزب متحدی باید باشد که پشت جبهه محکمی برای فعالیت رفقای ما بوجود بیآورد. چیزی که در نکات بعدی به آن میپردازیم.

- *کمیته‌های کمونیستی*

و در پایان برای ما هیچ فعالیت اجتماعی و گسترده و توده‌ای و هیچ شخصیت شناخته شده‌ای بدون وجود یک حزب محکم کمونیستی نمیتواند معنی کافی داشته باشد. وجود یک تشکیلات کمونیستی ادامه کاری همه نکاتی که در بالا به آن اشاره شد را تضمین میکند. تشکیلات کمونیستی که ما به آن نام "کمیته‌های کمونیستی" داده ایم.

کادر حکمتیست تا همین امروز سقف بالایی از تحزب کمونیستی را نشان داده است. این درجه از تحزب اگر که تکمیل نشود، اگر که یک دست و استاندارد نشود نمیتواند ادامه کاری فعالیت ما گسترش کارمان را تضمین کند. کادر حکمتیست فردی نمیتواند کار کند و هزار برابر مهمتر از آن، بدون حزب نمیتواند ادامه کاری داشته باشد. کادرهای ما تا همین امروز شبکه وسیعی از فعالین چپ و آزادیخواه را با خود همراه کرده اند. این شبکه‌های وسیع امکان تشکیل محکمترین و منضبط‌ترین کمیته‌های کمونیستی را فراهم کند.

تنها سلاح ما کمونیست‌ها سازمان و حزبی است که مردم را با خود متحد کرده است. این را امروز بخصوص بیشتر از هر زمان دیگری باید پراتیک و تضمین کرد.

متحد شوید! به حکمتیست‌ها پیوندید! با ما تماس بگیرید!

ادامه از صفحه اول

شوروت چپمه ای...

... به راه افتاده و تشدید شده است. فرجام این وضعیت اگر با آن مقابله نشود جامعه و مدنیت و انسانیت را به قهقرا می برد. مبارزه ما بر مبنای پرچم "نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی" بعنوان کسانی که روشن ترین موضع گیری را نسبت به این قوم پرستی و ناسیونالیسم دارند، بعنوان کسانی که سرنگونی رژیم اسلامی را معادل با دست بالا گرفتن جریانات سیاسی مرتجع است، یکسان میدانند، حیاتی است. در کنار تحركات شدید جریانات قومی کرد و ترک و غیره باید امروز بخصوص در دانشگاه و در جامعه از هر طریقی که می توانیم تنها موضع انسانی و اصولی را در مقابل جامعه و مردم قرار دهیم بلکه فعالانه در افشای این فضای هیستریک قوم پرستانه

بایستیم. باید به جنگ این فضا برویم. باید صدای آزادی و برابری را بلند تر کنیم و نگذاریم لباس قومی به تن اعتراضات و نارضایتی های دانشجویان و مردم بکنند.

برای مقابله با این فضای تهدید و سرکوب جمهوری اسلامی و بالا گرفتن قوم پرستی و ناسیونالیسم و دامن زدن کینه جویی در میان مردم و شقه شقه کردن آنها باید جبهه ای آزادخواهانه و چپ را سازمان بدهیم. جبهه ای متشکل از تمام نیروهایی که خواهان دفاع از انسانیت و مدنیت جامعه هستند. جبهه ای بر مبنای "نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی" سازمان دهیم. جبهه ای

متشکل از تمامی شبکه های مبارزه برای حقوق انسانی حق زنان و آزادیخواهی. جبهه ای که در دانشگاهها علیه سرکوب و تحمیلات عوامل دولت می جنگد و در جامعه به مقابله با تحمیل حجاب به زنان و آپارتاید جنسی می ایستد جبهه ای که مبارزه جوانان علیه تعرضات دولت و اختناق و بی حقوقی را سازمان می دهد و رهبری می کند. جبهه ای که یک سرش به دانشگاه، سر دیگرش به محلات و جوانان معترض و از یک طرف دیگر به زنان مبارز و محافل مختلف زنان وصل است.

مردم را باید متشکل کنیم هر جا که هستیم. در دانشگاه یا محله یا سرکار، تنها به نیروی متحد

خودمان می توانیم هم حملات رژیم اسلامی را عقب برانیم و جنبش سرنگونی را به پیش ببریم و هم جلوی رشد فضای قوم پرستی و فاشیسم قومی را بگیریم. باید جبهه انسانیت را که در مقابل تحمیل طوق ارتجاعی قومیت پر زندگی و مبارزه ما می ایستد تشکیل بدهیم. جبهه ای برای مبارزه با اختناق، آپارتاید جنسی، فضای نظامی، فاشیسم قومی، حجاب و بی حقوقی زن. جبهه ای که پرچمدار جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی و ظرف مقابله با قلدری و خطر حمله آمریکاست. جبهه ای که در مرکز خودگارد آزادی را دارد. تشکیل چنین جبهه ای با "شعار نه قومی نه اسلامی زنده باد هویت انسانی" از ضروری هم ضروری تر است.

دبیر کمیته تشکلیات کل کشور

بهرام مدرسی

Bahram-modarresi@freenet.de - Tel: 0049 174 944 0201

آدرسها و تلفن های تماس

اسد گلچینی

مظفر محمدی

محمود قزوینی

خالد حاج محمدی

اعظم کم گوین

محمد فتاحی

ایرج فرزاد

asad.golchini@ukonline.co.uk - Tel: 0044 7940416768

mozafar_mohammadi@yahoo.com - Tel: 0046 762258028

m_ghazvini2005@yahoo.dk - Tel: 0045 51603121

khaledhaji@yahoo.com - Tel: 0046707485754

azam_kamguian@yahoo.com - Tel: 0044 788 4040 835

m.fatahi@gmail.com - Tel: 004407 881 885 815

iraj.farzad@gmail.com - Tel: 0046739555085